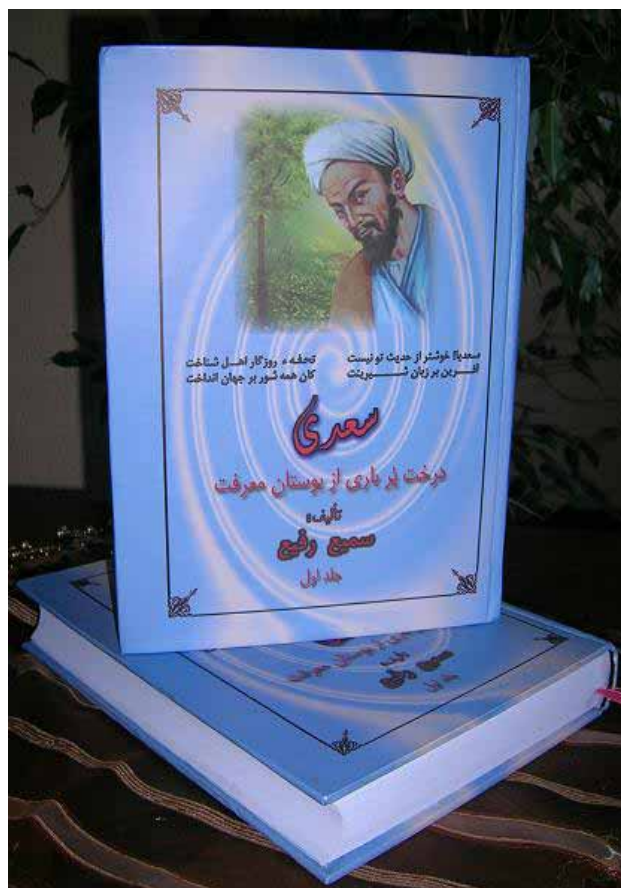


مرکز علمی و فرهنگی میدیوتیک کابل



همایش کتاب سعدی درخت پر باری از بوستان معرفت



تالیف : سمیع رفیع

محفل همایش کتاب، با تلاوت کلام الله مجید توسط مولانا لطف الله حق پرست در صحن حویلی میدیوتیک کابل آغاز گردید، سپس استاد مجید از جانب مرکز علمی و فرهنگی میدیوتیک رشتهء سخن را بدست گرفته، مهمانان را خوش آمدید گفت:



استاد مجید

شاعران، نویسندگان رجاوند و مهمانان گرانقدر: هیت رهبری میدیوتیک افغانستان با عرض سلام و تمنیات تشریف آوری شما را در همایش امروزی که با پیوند موضوع کتاب آقای سمیع رفیع است، خیر مقدم گفته از حضور گرم و صمیمانهء تان اظهار سپاس مینماید. مقدم بر همه چاپ کتاب سمیع رفیع را برای جناب شان و کلیه دست اندرکاران ادب و فرهنگ و در کلیه به فرهنگ و ادب دوستان افغانستان تبریک و مبارکباد عرض میدارم و برای جناب شان عمر طویل و استعداد سرشار آرزو مندم. حضار گرامی و دوستان فحیم و فهیم: میدیوتیک در حراست و نگهداری از فرهنگ پر بار کشور عزیز ما سخت کوشا بوده، در نظر دارد مروارید های گرانبهای شعر، ادبیات و عرفان را به هموطنان گرامی معرفی نماید.

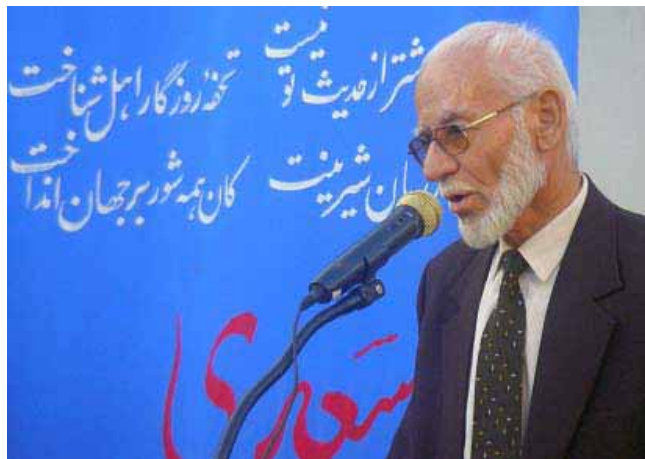
در شرایط کنونی که دستان اهریمنان در وطن ما مشغول فرهنگ زدایی بوده تلاش میورزند تا ما را از فرهنگ اصیل ما دور سازند، لازم است نگاهی به گذشتهء پربرابر فرهنگی و ادبی خود بیاندازیم.

کتاب «سعدی، درخت پربراری از بوستان معرفت» که در دو جلد از جانب آقای سمیع رفیع تالیف شده و ما امروز جلد اول آن را به شما معرفی میکنیم، اثریست از گنجینه های ادب و سخن که در مورد این کتاب ارزشمند، نظریات صاحب نظران، استادان و جناب سمیع رفیع را خواهیم شنید.

میدیوتیک در نظر دارد، آثار جناب رفیع را پیرامون شعر و ادب، فلسفه، روانشناسی، تعلیم و تربیه، موسیقی و عرفان به حلیهء طبع آراسته گرداند تا هموطنان عزیز و سایر فارسی زبانان دسترسی به این آثار گرانبها داشته، و ما نیز خدمتی در عرصهء غنامندی فرهنگ خود انجام داده باشیم.

میدیوتیک افتخار دارد در زمینه های ادب و فرهنگ و هنر با شخصیت آشنا و صاحب قلم و صاحب هنر مثل آقای سمیع رفیع همکاری دارد.

سپس استاد مجید از صاحب نظران و استادان دعوت نمود تا پشت بلند گو تشریف آورده نظرات خود را در مورد کتاب سعدی ارائه کنند.



پروفسور استاد عبدالقیوم قویم، استاد دانشگاه ادبیات کابل

متن سخنرانی استاد قویم

بسم الله الرحمن الرحيم

دانشمندان معظم، خانم ها و آقایان:

افتخار دارم که در همایشی اشتراک میکنم که در رابطه با یکی از کار های مهم تدبیر یافته است. سخن بر سر سعدی است، شاعری که با گذشت قرن ها، هنوز سطیرهء او از اقلیم شعر و ادب برچیده نشده است. سعدی یکی از ادب مرد هاست که هم در شعر و هم در نثر از داشتن مقام والایی برخوردار است. او صاحب سبک است، هرچند شاعران و نویسندگان دیگر هم صاحب سبک استند، ولی به یقین آن سبکی را که سعدی در غزل و در نثر پی ریزی کرد، نسبت به سبک نویسندگان و شاعران دیگر کاملاً میبانت دارد. گلستان او مخزن از تعلیم و اخلاق و پند و موعظه و رهنمود

های جالبی است که هر روز فرا راه ما گسترده شده است. غزل او چنان ناب است که وقتی ما آن را می خوانیم، ما را به دور دست های دور با خود میبرد و در آن هم خود را می یابیم، هم انسان را می یابیم، هم زیبایی را می یابیم و هم هر نوع احساس رفیق را می یابیم.

بنابراین صحبت و کاوش در باره اینگونه شخصیت ها از اعم کار های فرهنگی است و خوشبختانه یکی از هم میهنان ما، جناب سمیع رفیع که خود شاعر است و خود موسیقی دان است و خود روانشناس است و خود پژوهشگر نستوهی است، در این زمینه دست فراز برده، کتابی در باره سعدی تالیف کردند.

خدمت به عرض برسانم که این کتاب در دید شتابزده که من بر آن انداخته ام، مطالب بسیار دقیقی را در خود دارد، از جمله مطالبی که میخوامم بالای آن انگشت بگذارم و یادآور شوم که چقدر مزیت دارد، بحث های جالبی در رابطه با تاثیر سعدی در اروپا است. هرچند شاید اینجا و آنجا در کتاب های و یا مقاله های راجع به تاثیر سعدی در اروپا مطالبی به چاپ رسیده باشد، ولی یکبار دیگر جناب آقای رفیع با حدت شدت تاکید کرده اند که چگونه افکار سعدی قلمرو اروپا را درنوردید و چگونه اذهان دانشمندان، شاعران، فیلسوفان، متفکران و مستشرقین را بطرف خود جلب کرد که حتی کسی یا کسانی هم پیدا شدند که به تبرک داشته های فکری و ادبی و صوتی کلام سعدی، نام خود را سعدی گذاشتند.

یکی از کار های که در اروپا در باره ارج گذاری سعدی انجام یافته است، کار های تحقیقی رونالد نیکلسون انگلیسی است که او هم در ادبیات عربی و هم در ادبیات فارسی و هم در عرفان اسلامی تبحر و وضاحت بسیار عظیمی دارد. او به عنوان سعدی شعری دارد که در آن در باره مقام سعدی صحبت های بسیار جالبی دارد و او سعدی را هوراس نام میگذارد و حکیم لقب میدهد و او تذکر میدهد که کودکان از گنجینه آثار سعدی تعلیم و تربیه را می آموزند و او تذکر میدهد که کهن سالان از آثار سعدی حکمت می آموزند و بنابراین ارج فراوانی بر سعدی میگذارد.

دیگر گپی که من در این کتاب دیده ام، مقایسه آرا و اندیشه های سعدی و مولانا است، واقعاً مولانا و سعدی دو نیرومند بزرگ در عرصه شعر و عرفان و ادبیات فارسی دری است. بحث در مورد سعدی و مولانا بحث مستوفی ی کار لازم دارد، ولی در یک بحث نسبتاً کوتاهی جناب آقای رفیع توانسته است نکات برجسته شخصیت این دو عارف، این دو شاعر والاتباع را به صورت بسیار خوب تشریح و بیان نماید.

گپی دیگری که در رابطه به کتاب آقای رفیع میخواستم خدمت شما به عرض برسانم، آن این است که آقای رفیع توانسته است جوانب صور خیال سعدی را هم در شعرش و هم در نثرش و بخصوص در گلستانش مشخص بسازد.

من تقریباً یک ماه قبل با دعوت یکی از موسسات فرهنگی ایران با جمعی از دانشجویان دوره ماستری دانشگاه ادبیات بخش زبان دری، به ایران رفته بودم. آنجا در محلی بنام شهر کتاب، گردهمایی ترتیب شد و در آنجا در باره کتاب آقای دکتر کاتوزیان، زیر عنوان «سعدی، شاعر عشق و زندگی» که در امریکا نوشته شده است، از جانب برادران ایرانی نقد و بررسی صورت گرفت و در آنجا تذکر دادند که زیبایی شناسی سعدی در این پژوهش منعکس نشده است، خوشبختانه که امروز وقتی کتاب آقای رفیع را مطالعه می کردم، متوجه شدم که آقای رفیع به بعد زیبایی شناسی گلستان سعدی نیز تماس گرفته اند و مزایای گلستان را در این راستا هم بر ملا کرده اند. به این سبب ما میدانیم که یک افغان ما چطور با جنبه های بسیار باریک باریک آثار دانشمندان و متصوفین گذشته ما متوجه میشوند و به آن بعد ها ارج میگذارند.

بنابر آن یکی از از جنبه های بسیار مهمی که در این کتاب من به آن متوجه شدم، شرح و ایضاح و تفسیر غزل های منتخب سعدی است. من صادقانه به عرض میرسانم، یا شاید جایی ندیده باشم یا شاید برای اولین بار متوجه میشوم که

یکی از پژوهشگران کشور ما در راستای تحلیل و تفصیل داشته های اشعار سعدی، کار های بسیار دقیقی انجام داده اند و غزلیات این شاعر بزرگ را تحلیل کردند که این کار، کار بسیار غنی‌متی است. همین‌گونه نیز در قسمت تحلیل و تعبیر بعضی مشکلات و داشته های گلستان سعدی کار های صورت گرفته است. با این صحبت های مختصر می‌خواستم به عرض برسانم که از لحاظ کتاب نویسی، آقای رفیع کتاب خود را بسیار خوب ترتیب کرده اند. من این کتاب را یک کتاب بسیار عالی ارزیابی میکنم. برای آقای رفیع از خداوند متعال توفیق آرزو می‌نمایم تا این فعالیت ها را به صورت مستمر ادامه بدهند و وظیفه خود را در راستای معرفی فرهنگ و شکوفا ساختن این فرهنگ به انجام برسانند.

تشکر از شما



استاد رهنورد زریاب، نویسنده، ژورنالیست و ادیب شناخته شده کشور ما

متن سخنرانی استاد زریاب

در بارگاه خاطر سعدی خرام مگر
خواهی به پادشاه سخن داد شاعری

استادان فرزانه دانشگاه، دوستان گرامی، فرهنگیان ارجمند سلام:
یکی از ویژه گی های تاریخ ادبیات ما این است که ما امروز در باره بزرگترین سخن سرایان ما خیلی کم میدانیم، یعنی در باره زندگی و ویژه گی های شخصی این سخن سرایان بزرگ، اطلاعات ما بسیار اندک و محدود است. از شهید بلخی و کسایب مروزی که آغاز کنیم تا رودکی، فردوسی، سنایی و حافظ، ما در باره زندگی این بزرگمردان بسیار کم میدانیم. سعدی هم یکی از همین سیما ها است، هرچند شهرت و آوازه سعدی از زمان خود سعدی تا به امروز بسیار گسترده بوده. چه در شرق، چه در غرب، چه در حوزه فرهنگی خود ما، چه بیرون از حوزه فرهنگی

خود ما، ولی در مورد جزییات و چگونگی زندگی سعدی اطلاعات ما بسیار اندک است. سعدی از شگفت های عرصه ادبیات زبان دری بشمار میرود، ولی همانگونه که گفتیم در مورد زندگی سعدی، اطلاعات ما اندک است.

ما دقیقاً نام درست سعدی را نمیدانیم، زیرا در متن های مختلف سعدی به نام های مختلف یاد شده، مثلاً، شرف الدین، مشرف الدین و مصلح الدین، و بسیار دشوار است برای ما که بپذیریم کدام یک از این نام ها، نام واقعی سعدی بوده است. وقتی گاه در یک کتاب به سه نام یاد شده، بگونهء مثال، کتاب معروف (حبیب السیر) را در نظر بگیریم. در این کتاب گاهی مشرف ابن مصلح آمده، شرف الدین ابن عبدالله آمده و گاهی مصلح الدین سعدی آمده، ببینید در باره چنین بزرگمردی اطلاعات ما چقدر ناقص و اندک است. یکمقدار هم خود سعدی خوانندهء امروزی را گمراه می سازد، وقتی سعدی از سفرش به هند و کاشغر، بلخ و بامیان صحبت میکند، خوانندهء امروزی را گمراه می سازد، زیرا هیچگونه سندی در دسترس نداریم که دلالت بر آن کند که سعدی به هند رفته است و یا به کاشغر، یعنی چین غربی پا گذاشته است و یا به بلخ و یا بامیان سفر کرده است.

دورهء سعدی، دورهء ناآرامی ها در شیراز بود و برای اینکه در بارهء این دوره دقیقتر بدانیم، لازم میدانم بگویم که سعدی در زمانی زندگی میکند که مارکوپولوی معروف سفر خودش را به آسیا و شرق آغاز کرد. و اما همانطور که گفتیم نام سعدی بسیار پرآوازه است، چه در شرق و چه در غرب و چه در حوزهء فرهنگی ما، شاید در اروپا و باخترزمین کتاب گلستان پس از هزار و یک شب، پُرخواننده ترین کتاب مشرق زمین بوده باشد.

تا به امروز در زمان خود سعدی، هم آوازهء سعدی بسیار گسترده شده بود و سرزمین های دور دستی را دربر میگرفت. خود سعدی در گلستان حکایاتی دارد که در جامعه ای کاشغر میدراید و تازه جوانی را میبیند که مقدمهء نحو زمخشری را در دست دارد و میخواند و چون درمی یابد که سعدی اهل شیراز است، از سعدی می پرسد که از سعدی چی داری؟ اگر چنین حکایت را ساخته و پرداختهء تخیل پرداز سعدی بدانیم، شواهدی تاریخی استوار و محکمی در دست داریم که بسیار زود پس از وفات سعدی، آوازهء سعدی تا دور دست ها رسیده بود. یکی از این شواهد، سفرنامهء معروف ابن بطوطه است. شما میدانید که ابن بطوطه فقط چند سال پس از سعدی در سفر معروف بیست و نه سالهء خود آغاز کرد که شاید در تاریخ چنین سفر دور و درازی نظیر نداشته باشد.

ابن بطوطه در سفرنامهء خود می نویسد، که چون در چین و شهر (هانگ چو) رسید، امیر شهر بخاطر ابن بطوطه، ضیافتی برپا کرد و پس از ضیافت ابن بطوطه را همراه با فرزند خود به یک سیر دریایی فرستاد. در این سیر دریایی قایق ها به روی آب بودند، و خنیاگران و مطربان به زبان های چینی، عربی و فارسی آواز میخواندند. امیرزاده، یعنی فرزند امیر هانگ چو، که به همراهی ابن بطوطه آمده بود، آوازخوان فارسی را بسیار دوست دارد، از همین رو پی هم به مطرب دستور میداد که یک آهنگ را باز هم تکرار بخواند و این آهنگ به اندازهء تکرار شد که ابن بطوطه توانست این را یادداشت بکند و ما امروز می فهمیم که شعر این آهنگ از غزل معروف سعدی بوده و بخش از آن غزل این است:

تا دل به مهـرت داده ام در بحر غم افتاده ام

چون در نماز ایستاده ام گویی به محراب اندری

یعنی در قرن هشتم هجری، شعر سعدی در شرق چین توسط خنیاگران بزبان فارسی خوانده می شد.

استادان دانشگاه و دوستان ما نیک میدانند که یکی از ارزش نما ها در ارزیابی شخصیت ها، تاثیرگذاری این شخصیت های ادبی بر آیندگان است. اثرگذاری سعدی در حوزهء فرهنگی خود ما کاملاً روشن است. همهء ما آن تقلید های را

که از بوستان و گلستان شده اند، می‌شناسیم و میدانیم، اما من از یک اثرگذاری سعدی بر یک شاعر بسیار بزرگ روس نام می‌برم و قصه می‌کنم که شاید برای تان جالب باشد.

بدون شک شما الکساندر پوشکین، شاعر روس را می‌شناسید، الکساندر پوشکین، روزگاری عاشق زنی شد بنام (گرم زینه) و به او وعده سپرد که من یک سروده جاودانی بتو اهدا می‌کنم. سالها گذشت چنین الهامی به پوشکین نداد. پوشکین به جزیره کریمه رفت و کاخ خان کریمه را که فواره زیبا داشت، دید و داستان ساخته شدن این فواره را هم شنید. باز هم زمان گذشت و الهام لازم به پوشکین دست نداد، تا زمانیکه ترجمه فرانسوی بوستان سعدی به دست پوشکین رسید و پوشکین این ترجمه را در باب اول بوستان خواند:

شنیدم که جمشید فرخ سرشت به سرچشمه ای بر به سنگی نشست
بر این چشمه چون ما بسی دم زدند برفتند چون چشم برهم زدند
گرفتیم عالم به مردی و زور ولیکن نبردیم با خود به گور

در همین لحظه بود که جانمایه یکی از شهکار های بزرگ ادبیات روس برای پوشکین در ذهنش شکل گرفت. پوشکین بار دوم به کریمه رفت و کاخ خان تاتار را دید، بار دیگر آن فواره را دید، بار دیگر داستان آن فواره را شنید و سرانجام توانست یکی از شهکار های زبان روسی، یعنی منظومه (فواره باغچه سرای) را به وجود بیاورد، همه زیر تاثیر چند بیت از استاد سخن سعدی.

با همه شهرتی که سعدی داشته، متأسفانه و سوگمندانه باید گفت که در افغانستان سخت مظلوم افتاده بوده، من در طول سالهای که پشت سر گذاشته ام بیاد ندارم که محفلی، سیمیناری و همایشی از بهر سعدی در این سرزمین برگزار شده باشد و باز هم بیاد ندارم که کتابی، مجموعه ای از غزلیات سعدی در این سرزمین بچاپ رسیده باشد. حالا به آنچه من گفتم، ما در می‌یابیم که کار سودمند آقای سمیع رفیع چقدر میتواند برای ما ارزشمند باشد. از چند رهگذر میتوان بر این کتاب تکیه کرد، اولاً که در این بی سرو سامانی وضعیت پژوهشی، به ویژه پژوهش های ادبی در افغانستان، هرگونه پژوهشی در عرصه ادبیات میتواند از ارزشی برخوردار باشد.

حالا ما پژوهشی را در دست داریم در باره یکی از سیما های تابناک زبان دری که سوگمندانه در افغانستان در باب او هیچ چیزی نداریم و هیچ کاری صورت نگرفته، پس از این رو بر آقای سمیع رفیع فراوان باید زهی و آفرین گفت که دست بر چنین کاری زده اند و ما را با این کتاب سودمند آشنا کرده اند.

سمیع رفیع در این کتاب خود، در باره معقوله های که زیاد با سعدی ارتباطی هم نداشته، ولی از بهر شناخت سعدی لازم بود، تماس گرفته و در باره این معقوله ها نوشته ها دارد، از جمله در باره عشق، عرفان، تصوف، زهد قشری، آتش عرفانی و معرفت و مانند این ها و حتی در باره نظامیه ها، از جمله نظامیه بغداد که سعدی در آنجا درس خوانده.

نویسنده کتاب، کتابی که ما از بهر معرفی آن امروز جمع شده ایم، روش بخصوص را در معرفی و آسان سازی آثار سعدی برگزیده است، بطور مثال، حکایات گلستان و بوستان را آورده و این حکایت ها را شرح کرده، پیچیدگی ها، عبارت های عربی و آیات قرآنی را معنی کرده که فراوان میتواند برای خوانندگان امروز سودمند باشد.

بهر صورت، من خوشحال استم که در یک مدت کم شاهد دومین گردهمایی از بهر معرفی کتاب در شهر کابل استم و این دومین محفلی است که برای چنین منظوری برگزار میشود و من از میدیوتیک کابل فراوان سپاسگزار استم که در معرفی چنین فرهنگی، یعنی برگزار کردن محافل به منظور معرفی کتاب گامی برداشته و گامی سودمند و در خور ستایش و زهی.

به عقیده من میشود گفت که کار آقای رفیع شایسته این است که به او تبریک بگوییم، تهنیت بگوییم و از ایشان بخواهیم که جلد دوم این کتاب را هرچه زودتر در اختیار دل بسته گان سعدی و دل بسته گان شعر دری بگذارند و ما اطمینان داریم با تلاشی که در ایشان سراغ داریم، این کار را میکنند. و اما سعدی جاودانه است، خودش در زمان زندگانش این جاودانگی را پیش بینی کرده بود، چنانکه میگوید:

من آن مرغ سخن گویم که در خاکم رود صورت
هنوز آواز می آید که سعدی در گلستان است

شاکر و ممنون



استاد حیدری وجودی، شاعر غزلسرا و عارف وارسته کشور ما

استاد حیدری وجودی در مورد اهمیت این کتاب از دید عرفان مفصل پرداختند.

به اجازه یاران محفل و دوستان همدل:

صحبت خود را به نام خداوند توانا و مهربان آغاز میکنم، خداوند حکیمی که گوای ثبوت کمالات انسانی، کلام را آفرید. صحبت های که بزرگان با صلاحیت ما در مورد کتابی که جناب سمیع رفیع نوشته اند، اشارات رسایی شد و من پیش از پیش عرض کرده بودم که صلاحیت سخن رانی را در مورد حضرت سعدی ندارم. بهر صورت، اشاراتی به اساس بینش عرفانی در مورد حضرت سعدی در حد ظرفیت وجودی و برداشت خود میکنم.

مولانا فرموده اند که:

سیر هرکس تا کمال او بود قرب هرکس حسب حال او بود

آثار حضرت سعدی و نظام فکری او بمثابة وهمی است که مواج علی الظاهر آرام ولی در آغوش ساحل نمی گنجد. کسانی که پیش یا کم در مورد حضرت سعدی مقالات، رساله یا کتابی نوشته اند، به حساب اینکه حضرت سعدی عارف هم بوده، نظرات متفاوتی دارند. به نظر من حضرت سعدی حکیم است با اشاره به اندیشه های حکیمانۀ حضرت سعدی. کلام سعدی در گلستان و بوستان را ما حکمت میخوانیم و خطوط اساسی کارش، اخلاق و تربیت است. عارف نیز گفته میشود، ولی نه به معنی دقیقی.

حکمت کلامی است که متکی به واقعیت‌ها است، یعنی استوار بر واقعیت است. کلام حضرت سعدی چنین است، سعدی بزرگ هرشی و هر چیزی را که در سیر آفاقی و انفسی دیده، شنیده یا در وجود خود لمس کرده، متاثرات خود را با زبان شعر و همچنان با نثری که در مرزهای حضرت سعدی جوهر شعری، جوهر مخصوص و معنی دارد، بیان کرده است.

حضرت سعدی با ذوق فکری که به سماع دارد، در بوستان زیر عنوان عشق، نظر خود را در مورد سماع با کمال فصاحت و بلاغت بیان کرده و من همان ابیاتی که در مورد سماع است، تا جایی که حافظه ام کار میکند و توان دارد، همان ابیات را میخوانم. حضرت سعدی فرموده اند که:

اگر مرد عشقی سر خویش گیر	وگرنه ره عافیت پیش گیر
مترس از محبت که خاکت کند	که باقی شوی گگر هلاکت کند
نروید نبات از حبوب در سست	مگر حال بروی بگردد نخست
نه مطرب که آواز پای سستور	سماع است اگر عشق داری و شور
مگس پیش شـوریده دل پر نزد	که او چون مگس دست بر سر نزد
چو شوریدگان می پرستی کنند	بر آواز دولاب مستی کنند
نگویم سماع ای برادر که چیست	مگر مستم را بدانم که کیست
گر از برج معنی پرد طیر او	فرشته فرو ماند از سیر او
جهان پر سماع است و مستی و شور	ولیکن چه بیند در آینه کور؟
حلالش بود رقص بر یاد دوست	که هر آستینش جانی در اوست

رساترین ابیات در مورد سماع از حضرت سعدی است.

روایتی است که بعد از رحلت حضرت مولانا (رح) گروهی از علمای قشری خودبین و خودخواه به قاضی وقت عرض کردند که مولانا از جهان غیر به بیرنگی پیوسته اند و آن قدورت و قدرت که مولانا در راه دفاع از سماع داشت، جانشینانش چون حسام الدین چلبی و فرزندش سلطان ولد ندارد. قاضی ای که در مسند قضا نشسته است، مسئولیت دارد که از احکام شریعت پاسداری کند. قاضی آن روزگار به علمای قشری که امر دین را کسب کرده بودند، ولی در دل و دماغ شان وجود نداشت، گفت که حسام الدین و سلطان ولد را میخواند و به آنها گفت که شما هم حضور داشته باشید با دلایلی که دارید در مورد حرام بودن یا ناروا بودن سماع اظهار کنید و جانشینان حضرت مولانا هم دلایلی که دارند بیان نمایند. دلایل هر گروهی که قوی باشد، ما او را تایید میکنیم و بعد بسته کردن خانقاه مولانا مشکلی ندارد، چنین شد. قاضی وقت موضوع را به حسام الدین عرض کرد، حسام الدین به قاضی گفت که او یک سوال فشرده از همان علمای که در محضر شما قرار دارد، میکند و این‌ها در برابر این سوال، جواب منطقی بگویند.

حضرت حسام الدین خطاب به آن علمای که سماع را حرام میدانستند، فرمود که: شما بگویید که عصای موسی (ع) از لحاظ شکل و صورت و خاصیت جنسیت طبیعی چه بود؟

علما گفتند که عصای موسی (ع) چوب بود. حسام الدین چلبی فرمود: رباب ما هم چوب است، به همانگونه که عصای موسی (ع) در هر دست به اژدها میدل نمی شد، جز بر دست موسی (ع)، پس رباب ما هم حکم عصای موسی (ع) را دارد. بدین معنی از نگاه عرفا و مولانا و بزرگان که اهل سماع بودند، سماع چهار گونه است: سماع بالنفس، سماع بالقلب، سماع بالروح و سماع از حق در حق و با حق.

اشاره های سماع بالذات این است که در باطن شنونده قوت های شهوانی، حیوانی و مثل حسد، کینه، کبر و کماهی شر و شر نفسانی پیدا میشود. اگر همین علایم در باطن شخص یا اشخاصیکه در حالت سماع پیدا شود، سماع بالذات است و حرام قطعی است. سماع بالقلب علایمش این است که رقت قلب، تمایل نفسانی و حتی تمایل رسیدن به وحدت در باطن شنونده پیدا میشود، در سماع بالروح، هیچ شواهدی وجود ندارد و منظور سماع از حق در حق و با حق، رعایت دقیق و بلند است که در موردش مجال صحبت نظر به مکان و زمان نیست.

جان مایه سماع، موسیقی، پایکوبی و جز عشق چیز دیگری نیست. نتایج سماع، از خود رهایی است. کتابی که جناب سمیع رفیع نوشته، کتابی است غنیمت به اشخاصی که میخواهند در قلمرو حضرت سعدی سیر و سفری بکنند که تا سعدی را بشناسند، نقش خوبی دارد.

من صحبت خود را با یک رباعی حضرت ابوالمعانی بیدل (رح) به پایان میرسانم:

موسی شرری ز آتش طور گرفت تا از ید بیضا اثری مور گرفت
برخاستن از نشاط و هم آسان نیست آن بار عصا بود که منصور گرفت

با عرض حال، تشکر از یاران محفل
والسلام وعلیکم و رحمته الله



عبدالغفور لیوال، شاعر، نویسنده و منتقد زبان پشتو

ترجمه فشرده محتوای متن سخنرانی جناب لیوال از زبان پشتو به دری

شاعران، نویسندگان و دانشمندان معظم :

سپاس فراوان از مرکز علمی و فرهنگی میدیوتیک کابل که در غنای ارزش های مشترک فرهنگی ما کوشا بوده و این محفل را بمناسبت همایش کتاب ارزشمندی تبجیل نموده اند.

کلام و آثار بزرگمرد شعر و استاد سخن سعدی، بالای شاعران پشتو زبان نیز اثر خاص داشته و آموزه های از حکمت سعدی در آثار شان چشمگیر است، بخصوص خوشحال ختک حکایات آموزنده سعدی را در اشعار خود انعکاس داده

است. اما سعدی آن گونه که لازم بود، برای ما معرفی شود، نشده است. یعنی نه به فارسی زبانان و نه به پشتو زبانان.

امیدوارم که این کتاب بتواند برای مردم ما سعدی را خوب تر و بهتر معرفی کند و آنهاییکه در جماعت گلستان و بوستان سعدی را خوانده اند و در ذهن خود تصویری افسانوی از وی درست کرده اند، با خوانش این کتاب بتوانند به تمام ابعاد سعدی و جهان بینی اش ملتفت گردند.

کمالی که من در این کتاب دیده ام این است که، در این کتاب اشعار و نثر سعدی به زبان روان و ساده تحلیل و تفسیر شده است و برای خواننده در قسمت تفهیم مطالب توجه خاص صورت گرفته، بخصوص برای آنهاییکه به زبان کلاسیک دری آشنایی ندارند. من یقین دارم که فهمیدن کلام شاعران کلاسیک و عارف برای همه سهل نبوده این را یک امر حتمی میدانم که آثار و کلام این بزرگان به شکل تحلیلی و تفسیری مانند کتاب جناب سمیع رفیع به خوانندگان و علاقمندان زبان و ادبیات عرضه گردد تا به باریکی ها و رمز و راز و اسراری که در کلام آنها نهفته است و به آن تعبیرات و مفاهیم که از زبان شده است، دسترسی کامل و دقیق حاصل گردد.

من کتاب جناب سمیع رفیع را برای خود شان و برای مردم ادب پرور ما تبریک عرض نموده یکبار دیگر از مرکز میدیوتیک که در غنماندی ارزش های مشترک فرهنگی ما سخت کوشا است، اظهار خرسندی و سپاسگزاری میکنم.

تشکر فراوان از توجه شما



استاد ادیب زرينگر، نویسنده، ادیب و منتقد صاحب نظر کشور ما

متن سخنرانی استاد زرينگر

بزرگان فرزانه و عزیزان فرهیخته:

یکبار دیگر نیز به تک تک شما گرانمایگان سلام میفرستم.

بنام خداوند مهربان،

در این تازگی ها، پیکانی که از تیر معرفت، بر آماج حقیقت نشست، با کار تحلیل گرانه ارزشمند و پُربار آقای سمیع رفیع به نام والا و حکمت آموز «سعدی» شناسایی گردید. دل‌های مشتاق نیز، در دیار ما، از دیر زمانی، انتظار چنین پویشی را داشتند.

این اثر نفیس، که به گفته نویسنده محقق آن، آقای سمیع رفیع، همین دو روزی پیش، با علاقه زیادی، از سوی «میدیوتیک افغانستان» به زیور چاپ آراسته شد، تجلی دیگری است، که در رده کوشش‌های ادبی - فرهنگی ما، نوید دهنده پویایی جوانه های فرهیخته این دیار معرفت آفرین و درد آشنا میشود.

من، که با گوهرینه نام والا «سعدی» شیفته کار ارجناک سمیع رفیع گردیده ام، این پویش نیکو و تحلیل استخوان سوز او را، که در تجلیل عشقی عارفانه - ادیبانه، جلوه نوینی است، با فروتنی به وی، و «میدیوتیک افغانستان» مبارکباد میگویم.

این اثر پنجصد و چهار صفحه‌ی، که زندگی سعدی را، با یادنامه های روزگاران حیاتش، و نمودار های از تفکر، احساس، حکمت و جهان بینی انسانی - عرفانی او، در پانزده بخش، به روشنی می آورد، تحلیلی است در نهایت، صمیمانه.

در بخشی از سرآغاز کتاب، آقای رفیع می نویسد: «..... اگر چه، در مورد سعدی و آثار او، کتب و مقالات بسیاری به رشته تحریر درآورده شده، اما در این اثر، سعدی را، از طریق کلام خودش، معرفی کرده ام.»

نگرش به شاعری حکیم، و عارفی شاعر، از چشم انداز حکمت، جهان نگری، و احساس ویژه درونی اش، کار هر کسی نیست. در این روند، چگونه میشود، که کسی - کس دیگری شود، و دید عینی و ویژه خویش را، با همان نگرشی که او، خود را با جهان، زندگی و خواستهای نهانی اش، این همان می یابد، همسنگ یافته، به نمایش آورد؟ چه بسا که در این راستا، گامهای بلندی نیز، به پیش نهاده شده، اما، حقیقت درونی شاعر و دید فکری او را، به صورت مطلق، کمتر میتوان، نظر گیر یافت. لیکن، با گذشت از این قاعده، استثنا آتی هم، به کار میآید، که در یک همامیزی ویژه، جویباری در پیوند با دریا، چون بحری، اقیانوس نشان میگردد. اگر با ژرف کاوی، به نیکویی در نظر آوریم، با توزق بر دفتر ایام، چنین همزبانی هایی را، در یگانگی احساسهای به هم جوش خورده‌ی، به عینیت خواهیم دید.

آقای سمیع رفیع هم، یکی از این الگوهاست، که در زمانه ما، چراغی از شعر، هنر و عرفان در دست گرفته، به نگرش و بازنگری زوایای مکتوم فرهنگی دیده میدوزد. به گفته مولانای والاتبار بلخ، جلال الدین محمد:

هر کسی از ظن خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من

در باره سعدی نیز، مثل دیگر فرزندان پیشین، شخصیت های زیادی، آنگونه‌ی که، ذهن و ضمیر شان یاری میکرده است، از دید خود، داد سخن داده اند، که شاید، از صد، یکی را بتوان، زبان دل سعدی شناخت، اگر واقعاً، چنین توفیقی، یار اندیشه ورز سعدی شناسی گردیده باشد. اما، آقای سمیع رفیع، بی آنکه، محض از دید خود، اندیشه و جهان نگری سعدی بزرگوار را، به بررسی گرفته باشد، با کندکاو فکری خویش، چه بسا روزگارانی را که، در اندرونه آثار او، میان گل‌های بوستان، لاله های گلستان و نخلستان سبزینه غزلیات، مثنوی و دیگر آثار حکمت آموز و احساس برانگیزش، عاشقانه، به تفکر می پرداخت، تا این که همزبان با زبان سعدی، در تحقیق دل سوزانه‌ی، مجموعه ارجناکی را، به نام «سعدی، درخت پُرباری از بوستان معرفت» فراروی فرهنگیان وطن، ارمغان کرد. شناساندن سعدی «از طریق کلام خودش»، مستلزم شناختن کلام سعدی، از دید آگاهانه شناساننده‌ی است، که باید، درانهمای ژرف، و نهایت درونی خویش با او، زبان حقیقت چنین حکیم عارف، و شاعر حکیمی را، بی هیچ واسطه

دیگری، ادراک نماید. همین که در یک نگاه، به کار پُرشور تحلیلی آقای سمیع رفیع، زیر عنوان « سعدی، درخت پُرباری از بوستان معرفت» دیده میدوزیم، حقیقت شناخت «رفیع» را نیز، به نیکویی درمیابیم. با یک دید گذرا، در فرصت کوتاهی که این کتاب، تازه بدستم رسید، کار آقای رفیع را، در ابعاد گوناگونی از اندیشه، حکمت، عرفان، جهان نگر و احساس شاعرانه شیخ الاجل، مُصلح الدین سعدی، به مشاهده گرفتم که وی، با چه ژرف کاوی متفکرانه بی، گوشه های پیدا و ناپیدای فکری او را، به کندوکاو گرفته است، تا زبان کلام نهانی اش، بی هیچ هاله بی از ابهام، به نگرش آمده باشد.

رفیع، وقتی که در آیینۀ شعر سعدی، دیده به چهره عشق میدوزد، جناس، استعاره، تصویرآفرینی و موسیقی کلامش، او را با هنرمندی رویا روی میگرداند، که از دمدمه محبت، شوری بر زندگی میافزاید.

در این راستا، مجموعه های تحقیقی دیگری را هم دیده باشیم، اما نه در دیار خودمان!

کتاب « سعدی، درخت پُرباری از بوستان معرفت»، نخستین تحقیقی است از کلیات شیخ الاجل، که با دست و دماغ آقای سمیع رفیع، و همیاری نشراتی «میدیوتیک افغانستان» روشنی افزای محیط عارفانه - ادیبانه ما میگردد. این چراغ، جاویدانه روشن بماند، تا دیگرانی هم، در پرتو آن، راهی ببینند.

تشکر



استاد حمیدالله حُحی، مسئول عمومی انسجام مرکز علمی و فرهنگی میدیوتیک کابل

فشرده ترجمه متن سخنرانی جناب استاد حمیدالله حُحی از زبان پشتو به دری

سلام و ادب بشما اهل کتاب و فرهنگیان :

از تشریف آوری تان به این محفل، نهایت خرسند بوده شما را قلبا خوش آمدید میگویم.

من نمیخواهم در مورد کتاب بیانیه ایرا ایراد کنم، چون بقدر کافی استادان و صاحب نظران در مورد کتاب سخنان ارزشمندی را ارائه نمودند. میدانم که کتاب جناب رفیع از ارزش خاص برخوردار است.

میدوتیک در چاپ کتاب های معتبر تحقیقی همیشه کوشا بوده و خواسته است که این گنجینه ها را به مردم معرفی کند. چاپ کتاب سمیع رفیع را به جناب شان و به فرهنگدوستان تبریک میگویم و از خداوند متعال برای آقای رفیع موفقیت آرزو میکنم. من برای جناب سمیع رفیع همکاری میدوتیک را وعده میدهم تا کار های اصیل و بنیادی شان در رابطه با فرهنگ و ادبیات، اقبال چاپ یابد. از ایشان توقع دارم تا در راه معرفی فرهنگ برای ملت افغانستان کار های ماندگار انجام بدهند و در غنای فرهنگ و ادب ما بیافزایند.

میدوتیک در کار های بنیادی فرهنگی کوشا و همکار خوب است.

از تشریف آوری تان، سپاسگزارم

شب تان بخیر



استاد سمیع رفیع، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و موسیقیدان کشور ما

متن سخنرانی استاد سمیع رفیع در باره هدف از چاپ کتاب شان در مورد سعدی :

بنام خداوند جان و خرد

سلام بر شما صاحب سخنان، صاحب قلمان و بزرگمردان شعر و ادب:
چه انگیزه باعث شد که من این کتاب را نوشتم، مختصر به سمع شما میرسانم:
البته گسستن از فرهنگ پُربار و غنی ما، احساس کردم که ما را دوچار بی هویتی فرهنگی کرده، من احساس کردم که عده ای از فرهنگی ها، شاعران، نویسندگان و داستان نویسان و غیره و غیره، دارند آهسته آهسته رو به تقلید می آورند و مقلد فرهنگ های بیگانه میشوند، در حالیکه ما در عرصه فرهنگ مقدم تر و جلوتر از همه هستیم.
این یک حقیقت محض است که ما در عرصه تکنولوژی نیازمند کشور های دیگر هستیم، ولی در عرصه شعر، ادب، ادبیات، فرهنگ، حکمت، فلسفه و عرفان جلوتر از دیگران هستیم و ما حرفی برای گفتن داریم.

همین انگیزه باعث شد تا من مروارید های پُربها و دَر های ثمین را که در ابتدا اندوخته های پیرامون شیخ سعدی بودند، خواستم به سلک تحریر در بیاورم تا هموطنان عزیز ما با شناسایی و شناخت دقیق در قسمت معرفت سعدی، حکمت سعدی، شعر و غزل سعدی، آشنایی پیدا بکنند و بدانند که این فرهنگ تا چه حد غنی و پُربار است.

هدف از چاپ این کتاب این است که، نسل جوان امروز، متوجه فرهنگ پُربار خود شوند و در حراست و نگهداری این فرهنگ، با اهتمام بسیار دقیق و با کوشش و جستجو به دیگر بُعد های فرهنگی ما، ملتفت شوند و بدانند که ما فرهنگ چندین هزار ساله داریم و اشخاصی مانند، سعدی، مولانا، بیدل، سنایی و ابن سینا ها داریم.

از تشریف آوری شما نهایت خوشحال و خرسندم، از اینکه کتاب من نزد صاحبان قلم و صاحبان سخن جایگاهی را حاصل نموده و ایشان سخنان ارزشمندی را در مورد این کتاب ارائه نمودند، سبب افتخار من شده بمن نیرو بخشید و من میتوانم بگویم که با این نیرو در نوشتن کتاب های بعدی میتوانم خستگی هایم را از بین ببرم.

از همه دوستانی که در این محفل تشریف آورده اند، جهانی سپاس، بخصوص آن استادان و فرهنگستانی که بر من منت گذاشتند و باعث فخر و افتخار من گردیدند.

استاد رفیع در مورد مرکز علمی و فرهنگی میدیوتیک فرمودند:

من از روزی که در این خانه داخل شده ام، از جانب دست اندرکاران آن که در راس کار های انسجامی استاد حمید است، از طرف آنها به بسیار محبت و شفقت پذیرایی شده ام. در قسمت چاپ این کتاب آنقدر زحمت کشیده اند که من نمیدانم به کدام زبان از اینها اظهار امتنان و شکرگزاری بکنم. من از مرکز فرهنگی، علمی و اجتماعی میدیوتیک نهایت سپاسگزارم و از آنها تشکر میکنم که کتاب ناچیزم را به زیور و حلیهء طبع آراسته گردانیدند و این حقیر را ذره نوازی کردند.

شما را بخدای پاک میسپارم



تصاویری از همایش کتاب







